

آرام‌فر، مهدی، ۱۳۵۴ -
آزمون‌نامه زیست‌شناسی / [مولف مهدی آرام‌فر]؛ حنیف عظیمی. --
تهران: تخته سیاه، ۱۳۸۴.
۵۲ ص: مصور.

۵۵۰۰ ریال

عنوان دیگر: آزمون‌نامه.
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا.

۱. زیست‌شناسی -- آزمون‌ها و تمرین‌ها (متوسطه). ۲. زیست‌شناسی
-- کتابهای درسی -- راهنمای آموزشی (متوسطه). الف. عظیمی،
حنیف، ۱۳۶۴. ب. عنوان. ج. عنوان: آزمون‌نامه.
LB ۳۰۶۰/۲۶/۱۳۷۵۵۴ ۳۷۳/۲۳۸۰۷۶
کتابخانه ملی ایران ۷۹۳۷-۸۴م

شابک: ۹-۹-۹۵۹۶۳-۹۶۴

آزمون‌نامه زیست‌شناسی

ناشر: تخته‌سیاه

چاپ اول: اردیبهشت ۸۴

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

حروفچین: مینا نیما - سامین مظفر

صفحه‌بندی و طراحی جلد: علی اشرفی

قیمت: ۵۵۰۰ ریال

آدرس مکاتبه: صندوق پستی ۶۷۴-۱۶۳۱۵ انتشارات تخته‌سیاه

شماره تماس با مؤلف: ۰۹۱۲۱۰۳۶۰۶۱

هوا سرد بود، خیلی سردتر از اونی که تو دومین ماه بهار بشه باور کرد... یقه پالتوشو بالا کشید تا از گزند باد سرد در امان باشه، این موقع سال، اونهم وسط هفته، کمتر کسی به این منطقه می‌اومد... فقط صدای دریا بود و مرغای دریایی... با خودش فکر کرد، بچه که بود چقدر دریا و ساحل رو دوست داشت... همیشه شبی که قرار بود فرداش برن شمال، تا صبح نمی‌خوابید و خداخدا می‌کرد تا زودتر صبح بشه... ولی حالا چی، یه جورایی مجبور شده بود از تهران فرار کنه... دیگه تحمل پرخورد با مشکلات ریز و درشتو نداشت. احساس می‌کرد خسته‌تر از اونی که بتونه برگرده... چند قدمی به سمت دریا رفت... زیر لب زمزمه کرد «چه بزرگ و باشکوهه این دریا!... کاش می‌شد برای همیشه کنارش باشم... چه پرغرورن این موج‌ها... کاش می‌شد... چند قدم دیگر به سمت دریا برداشت... مجذوب شده بود... فکر کرد باید جزئی از دریا شد... باید گذشت از این همه دردسر و عذاب، این همه رنج و سختی... باید جزئی از دریا شد...

تو همین افکار بود که پاش به چیزی گیر کرد. کمی تلو تلو خورد و نگاهی به پایین انداخت. یک شاخه‌ی بریده شده بود. شاخه‌ای که معلوم نبود با کدوم دست بی‌رحمی کنده شده... با خودش گفت: این شاخه هم مثل من ناامید و بی‌هدفه! این شاخه هم به آخر خط رسیده...

ولی یه دفعه چیز جالبی توجهش رو جلب کرد. یک جای شاخه با بقیه‌ی قسمت‌ها فرق می‌کرد... مثل اینکه رنگش عوض شده بود! بیشتر دقت کرد و متوجه شد که روی یک قسمت از شاخه جوانه‌ای در حال رویش است... باور کردنش مشکل بود... چطور ممکنه یک شاخه‌ی شکسته و رها شده قدرت رویش داشته باشه!؟

دیگه سردش نبود... احساس می‌کرد که چیز تازه‌ای درونش شعله‌ور شده چیزی که مدت‌ها بود فراموش کرده بود، پالتو را از تنش درآورد و به طرفی پرت کرد و به سمت کلبه‌اش دوید...

راستی! داشت یادمون می‌رفت...

راستش رو بخواین خیلی فکر کردیم که دم کنکوری چه کار کنیم که به درد بچه‌ها بخوره و آخرش به این نتیجه رسیدیم که یه آزمون طراحی کنیم و توش از همه‌ی مطالبی که فکر می‌کنیم در کنکور مورد استفاده قرار می‌گیرن، سؤال طرح کنیم. بعدش هم آقای عظیمی پاسخ این سؤال‌ها رو بنویسه و یه کتاب درست شد به نام آزمون‌نامه.

از شما هم یه خواهش کوچولو داریم، کتاب رو با دقت و وسواس بخونین! هیچ نکته‌ای رو جا نندازین، مطمئن باشیم ارزششو داره...